

مقدمه مؤلف

gajmarket

تقدیم می کنیم با عشق به هر چنایم (پدرم و مادرم)

بنام خدایی که دن نزدیکی است
لای این شب بوا
پای آن کل ج بلند

سپاس آن یگانه پرمهر را که بار دیگر لطفش یاریگر قلمم گشت و توان داد و فرستی، تا در اقیانوس ژرف شعر و ادب پارسی، صیاد مروارید زیبای معانی گردم.

خاند و سکست کاست؟؛ / فقط بوکو پرید سوار / آسان کلشی کرد / رکندر شانه نوری کرد / بدب داشت /
بـتارکی شن باشید و بـلکشت / شان داد سـداری و کـفت / نـزیده بـدخت / رـکوبه بـاعنی است / کـفر از خـواب خـدا /
سـبـرـرـاست / وـدـآـنـعـثـبـ اـلـانـهـپـایـهـیـ صـدـاقـتـ آـبـیـ است

«شهراب سپهری»

آرایه‌های ادبی - که در حوزه فلیمرو ادبی می‌گنجد - یکی از موضوعات کاملاً کاربردی است و رویکرد کنکور به این مبحث بسیار سخت‌گیرانه همراه با طرح تست‌های کاملاً خلاقانه و مفهومی است. برای تسلط بر این مبحث، ابتدا باید مفهوم هر آرایه را دانست؛ سپس با پاسخ‌گویی به سوالات و تست‌های متنوع، به یادگیری استحکام پختشید.

قسمت‌های مختلف این کتاب به شرح زیر است:

آشایی با اصطلاحات ادبی

توضیح کامل اصطلاحات ادبی، قافیه، ردیف، موقف‌المعانی، استفهام انکاری و ...

قالب‌های شعر فارسی

توضیح کامل قالب‌های شعری چون منشوی، رباعی، چهارپاره و ... همراه با رسم شکل هندسی هر قالب شعری

آزاده‌های ادبی

ذکر نام آرایه‌های حوزه بیان و بدیع (لفظی و معنوی) در قالب جدول

توضیح کامل آرایه‌های ادبی با صدها شاهد مثال از کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم و هم‌چنین ایات معروف خارج از کتاب‌های درسی.

ارائه فهرستی از واژگان «ایهام برانگیز» در پایان مبحث «ایهام» (با ذکر معانی مختلف)

شایان ذکر است، در ادامه هر مبحث، بخشی تحت عنوان «چند مرده حلاجی» آمده است که در بردازه سؤال از مبحث مورد

نظر، همراه با پاسخ‌های تشریحی و کوتاه است؛ سپس یک یا چند آزمون ۱۰ تابی جهت سنجش یادگیری آمده است.

هر شب می‌توانید یک آزمون را به عنوان برنامه شب پاسخ دهید.

مفهوم تمام کتابهای به کار رفته در کتاب‌های درسی دهم، یازدهم و دوازدهم (با ذکر مصراع باعبارت موردنظر) در بخش سوم کتاب ذکر شده است.

بانک تست آرایه‌های ادبی

شامل تست‌های کنکور (۱۳۹۹ - ۱۴۸۷) که طبق الگوهای زیر طبقه‌بندی شده است:

الگوی اول: آرایه‌های ادبی یک مورد ارزیابی واقع می‌شود.

الگوی دوم: دو یا چند آرایه در صورت سؤال دکر می‌شود.

الگوی سوم: در صورت سؤال، بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام برده می‌شود و ترتیب ایات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الگوی چهارم: هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال دکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آرایه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.

الگوی پنجم: یک آرایه در صورت سؤال دکر می‌شود.

لازم به ذکر است که مخاطب این کتاب تمام داشن آموزان کنکوری (کلیه رشته‌ها) هستند؛ به همین سبب درباره تمام آرایه‌های ادبی توضیح کاملی ارائه شده است.

آرایه‌های «لغ و نثر، موازن، ترصیع و انواع سمجع» و پیه و رشته علوم انسانی است.

دانستن نام انواع استعاره (مصـرحـه و مـکـتـیـه) ضرورتی ندارد، ولی این تلقیـهـبـندـی به فهم استعاره منجر می‌شود.

با استفاده از اشعار ناب و عبارات پر معنا و ذکر جزئیات و ریزه‌کاری‌های هر تست، هیچ زاویه‌های از آرایه‌های ادبی نادیده گرفته نشده است. هم‌چنین اوردن ۱۰ آزمون جامع (از کل مباحث) و تمامی تست‌های کنکور قبل استفاده سال‌های اخیر، داشش آموز را از هر کتاب تست دیگری بی‌بنای می‌کند.

در پایان از استداد و دوست گران قدرم خانم نسرین باستان جو که سال هاست در سایه داشن او مأواگزیده‌ام و داشش آموزان خویم در دبیرستان روشنگران سپاسگزارم، هم‌چنین از ویراستاران خوب مجموعه‌گاج که با دقت همه‌جانبه خود مرا بارگرداند و هم‌چنین از استاد ارجمند، دکتر رضا اسماعیلی (رسنگانی) که از مشورت با ایشان بهره و افرا برده‌ام، کمال تشکر را دارم.

مانا بشید و مهریان
فرشته صابریان

نهرست مطالب

۵۵	موازنہ
۵۶	آزمون ۱۲
۵۹	ترصیح
۶۱	آزمون ۱۳
۶۳	جناس
۶۶	آزمون ۱۴
۶۸	اشتقاق
۶۹	آزمون ۱۵
۷۱	مراعات نظری
۷۲	آزمون ۱۶
۷۴	تلمیح
۷۵	آزمون ۱۷
۷۷	تضمنیں
۷۸	آزمون ۱۸
۸۰	تضاد (طباق)
۸۱	آزمون ۱۹
۸۳	متناقض نما (پارادوکس)
۸۵	آزمون ۲۰
۸۷	حسن آمیزی
۸۸	آزمون ۲۱

بخش اول: آشنایی با اصطلاحات ادبی و قالب‌های شعری

۸	آشنایی با اصطلاحات ادبی
۱۱	قالب‌های شعر فارسی
۱۸	آزمون ۱
۱۹	آزمون ۲
بخش دوم: آرایه‌های ادبی	
۲۳	تشبیه
۲۷	آزمون ۳
۲۹	استعاره
۳۲	آزمون ۴
۳۳	آزمون ۵
۳۵	مجاز
۳۷	آزمون ۶
۳۹	کنایه
۴۲	آزمون ۷
۴۴	آزمون ۸
۴۶	واج آرایی
۴۷	آزمون ۹
۴۹	تکرار (واژه‌آرایی)
۵۰	آزمون ۱۰
۵۲	سجع
۵۳	آزمون ۱۱

۱۲۷	آزمون جامع ۳۲
۱۲۸	آزمون جامع ۳۳
۱۳۰	آزمون جامع ۳۴
۱۳۲	آزمون جامع ۳۵
۱۳۴	آزمون جامع ۳۶
۱۳۶	آزمون جامع ۳۷
۱۳۸	آزمون جامع ۳۸
۱۴۰	آزمون جامع ۳۹
۱۴۲	آزمون جامع ۴۰

بخش سوم: لیست کنایات کتاب‌های درسی

۱۴۵	لیست کنایات فارسی دهم
۱۵۷	لیست کنایات فارسی یازدهم
۱۷۰	لیست کنایات فارسی دوازدهم

بخش چهارم: تست‌های کنکورهای سراسری

۱۹۰	الگوی اول: آرایه‌های ادبی یک بیت...
۲۰۰	الگوی دوم: دویاچند آرایه در صورت سؤال....
۲۰۸	الگوی سوم: در صورت سؤال بیش از دو....
۲۲۷	الگوی چهارم: هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال....
۲۳۸	الگوی پنجم: یک آرایه در صورت سؤال....
۲۴۶	پاسخنامه تشریحی

۹۰	ایهام
۹۱	آزمون ۲۲
۹۳	وازگان ایهام برانگیز
۹۷	ایهام تناسب
۹۹	آزمون ۲۳
۱۰۱	لف و نشر
۱۰۳	آزمون ۲۴
۱۰۵	اغراق
۱۰۶	آزمون ۲۵
۱۰۸	حسن تعلييل
۱۱۰	آزمون ۲۶
۱۱۲	اسلوب معادله
۱۱۴	آزمون ۲۷
۱۱۶	نماد
۱۱۷	آزمون ۲۸
۱۱۹	قلب(عکس)
۱۱۹	آزمون ۲۹
۱۲۲	ضرب المثل(تمثیل)
۱۲۳	آزمون ۳۰
۱۲۵	آزمون جامع ۳۱



آرایه‌های ادبی

		گستردۀ (غیر بلیغ)			
اضافی اسنادی		فسرده (بلیغ)		تشییب	
		مصرّحه			
جان بخشی غیر جان بخشی		مکنیّه		استعاره	
					بیان
				مجاز	
				کنایه	
		واج آرایی - تکرار			
مطرّف		سجع			
متوازن		موازنه			
متوازی		ترصیع			
		لام		لفظی	
اختلافی		جناس			
افزایشی		ناقص			
حرکتی					بدیع
قلب					
		اشتقاق			
		قلب (عکس)			
مراعات نظریer - تلمیح - تضمین - تضاد - تناقض -					
حس آمیزی - ایهام - ایهام تناسب - لف و نشر - اغراق -				معنوی	
حسن تعلیل - اسلوب معادله - نماد - ضرب المثل					

آرایه‌های ادبی



تشبیه

تشبیه، ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است.

پایه‌های تشبیه

- ۱ مشبه (طرف اول): پدیده‌ای که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم.
 - ۲ مشبه‌به (طرف دوم): پدیده‌ای که مشبه را به آن مانند می‌کنیم.
 - ۳ وجه‌شبه: ویرگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبه‌به است که در مشبه‌به پرنگ‌تر و آشکارتر است.
- (دلیل تشبیه)

ادات تشبیه: واژه‌ای (حرف، فعل و ...) است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. (چو، مثل، مانند، بهسان، گویی، به کردار و ...)

توجه: «چو» و «چون» اگر به معنی مثل و مانند باشند، ادات تشبیه‌اند. اگر معنای «وقتی که» و «زیرا» بدنه‌ند، ادات تشبیه نیستند و حرف ربط‌اند.

وجود طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به) در هر تشبیه الزامی است؛ حال آن که ادات تشبیه و وجه‌شبه گاهی حذف می‌شوند.

گشت یکی چشممه ز سنگی جدا گه به دهان، برزده کف چون صدف

تشبیه ← مشبه: چشممه / مشبه‌به: صدف / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: کف‌آلود بودن

تشبیه ← مشبه: چشممه / مشبه‌به: تیر / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: به سوی هدف رفتن و سرعت

گفت در این معركه، یکتار منم تاج سر گلبن و صحرا منم

تشبیه ← مشبه: من (چشممه) / مشبه‌به: تاج

از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم... مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سرجای خودش می‌نشست.

تشبیه ← مشبه: خسرو / مشبه‌به: شاخ شمشاد / ادات تشبیه: مثل

عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم رو، سوزنده و سرکش بود

تشبیه ← مشبه: عاشق / مشبه‌به: آتش / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: گرم رو، سوزنده، سرکش

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را، کژطبع جانوری

تشبیه ← مشبه: تو / مشبه‌به: جانور کژطبع / وجه‌شبه: ذوق نداشتن

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

تشبیه ← (صراع اول) مشبه: تو (محذوف) / مشبه‌به: نخل / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: کریم

تشبیه ← (صراع دوم) مشبه: تو (محذوف) / مشبه‌به: سرو / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: آزاد

خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب چونان فرشته بر سر او سایه گسترد

تشبیه ← مشبه: مادر / مشبه‌به: فرشته / ادات تشبیه: چونان / وجه‌شبه: بر سر او سایه گسترد



انواع تشبيه از نظر پایه‌ها (ارکان)

انواع تشبيه (ویژه انسانی)

گستردگی اضافی (اضافهٔ تشبيه‌ی)

فشرده غیراضافی (اسنادی)

تشبيه گسترده:

از میان رکن‌های تشبيه، ذکر مشبه و مشبه‌به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبيه را می‌توان حذف کرد. به تشبيه‌ی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، «تشبيه گسترده» می‌گویند.

تشبيه فشرده:

تشبيه‌ی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبه و مشبه‌به را داشته باشد، تشبيه فشرده است. حذف وجه شبه و ادات تشبيه، تشبيه را خلاصه می‌کند. به این نوع تشبيه، «تشبيه بلیغ» نیز می‌گویند. این تشبيه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

از این سد روان در دیده شاه

مشبه

تشبيه فشرده‌گاه به صورت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر اضافی به کار می‌رود. (تشبيه‌های غیر اضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند).

چون بتبد آفتاب معرفت

مشبه

اضافهٔ تشبيه‌ی **آفتاب معرفت** (مشبه: معرفت / مشبه‌به: آفتاب)

تو، آن بلندترین هرمی / که فرعون تختیل می‌تواند ساخت / و من، کوچک‌ترین مور

تشبيه **مشبه**: تو / مشبه‌به: بلندترین هرم

اضافهٔ تشبيه‌ی **فرعون تختیل** (مشبه: تختیل / مشبه‌به: فرعون)

تشبيه **مشبه**: من / مشبه‌به: کوچک‌ترین مور

تاخار غم عشقت آویخته در دامن

مشبه

اضافهٔ تشبيه‌ی **خار غم عشق** (مشبه: غم عشق / مشبه‌به: خار)

این بوم محنت از پی آن تا کند خراب

مشبه

اضافهٔ تشبيه‌ی **بوم محنت** (مشبه: محنت / مشبه‌به: بوم)

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کیم

مشبه

اضافهٔ تشبيه‌ی **تیر جور** (مشبه: جور / مشبه‌به: تیر)

تشبيه فشردهٔ غیراضافی (بلیغ) **ز تحمل سیر کنیم** (مشبه: تحمل / مشبه‌به: سیر)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

مشبه

اضافهٔ تشبيه‌ی **مس وجود** (مشبه: وجود / مشبه‌به: مس)

اضافهٔ تشبيه‌ی **کیمیای عشق** (مشبه: عشق / مشبه‌به: کیمیا)

تو سرو جویباری، تو لاله بهاری تو یار غمگساری، تو حور دلربای

تشبیه فشرده غیراضافی ← تو سرو جویباری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: سرو جویبار)

تشبیه فشرده غیراضافی ← تو لاله بهاری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: لاله بهار)

تشبیه فشرده غیراضافی ← تو حور دلربای (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: حور دلربا)

«ی» به معنی «هستی» فعل اسنادی است.

مراقب باشید «تو یار غمگساری» را تشبیه نگیرید چون تشبیه نیست. (انسان می‌تواند یار غمگسار باشد).

گرچه ز شراب عشق مستم عاشق‌تر از این کنم که هستم

اضافه تشبیهی ← شراب عشق (مشبه: عشق / مشبه‌به: شراب)

بهتر است بدانید گاهی در لایه‌لای کلام، تشبیه پنهان (مضمر یا پوشیده) به کار می‌رود؛ یعنی در ظاهر کلام

تشبیهی مشاهده نمی‌شود اما با دقّت و تأمل در معنی، می‌توان به تشبیه پی برد؛ مثلاً:

زلف غیرشکن از روی تو سر می‌پیجد چه کند ز آتش اگر زانک بپرهیزد مشک

با دقّت و تأمل در بیت فوق درمی‌یابیم که در حقیقت شاعر «زلف محبوب» را به «مشک» و «روی» را به

«آتش» تشبیه کرده است.

نوعی دیگر از تشبیه، تشبیه درون‌واژه‌ای است؛ یعنی اجزای برحی از واژه‌های غیرساده با هم یک تشبیه را می‌سازند؛ مثلاً:

دریادل ← آن که دلی بزرگ چون دریا دارد.

شیرزن ← آن که در شجاعت چون شیر است.

سنگدل ← آن که دلی چون سنگ، سخت دارد.

مه رو ← آن که رویی چون ماه، زیبا دارد.

چند مرده حاتمی

تعداد تشبیه و ارکان آن را در ایات زیر بررسی کنید.

(۱) تو هم چون گل ز خندیدن لبت با هم نمی‌آید روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم؟

(۲) این نان و آب چرخ چو سیل است بی وفا من ماهی ام، نهنگم عمامن آرزوست

(۳) مزع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشتۀ خوبیش آمد و هنگام درو

(۴) دوش گفتم بکند لعل لبشن چاره من هاتف غیب ندا داد که آری بکند

(۵) فراز و نشیب بیان عشق دام بلاست کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد؟

(۶) صلای یوسف گل شد جهان‌گیر زلیخای جوان شد عالم پیر

(۷) لبست تا در لطافت لاله سیراب را ماند دلم در بی قراری چشمۀ سیماب را ماند

(۸) تنست را دید گل، گویی که در باغ چو مستان جامه را بدیرید بر تن

(۹) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد

(۱۰) چون پیله دلم از توبه که کردم بشکست همچو لاله جگرم بی می و میخانه بسوخت


پاسخ

(۱) سه تشبيه ← تو
 هم چون گل ز خندیدن لبت با هم نمی‌آيد (مثل گل شکفته، تو هم با خندیدن
 ارادت تشبيه مشبه به وقه شبه مشبه)

شکفته هستی)

من ببل (تشبيه فشرده اسنادی) / من ... چو بوتیمار بنشينم؟ (در ادب فارسي بوتيمار مظهر غم خوردن
 مشبه ارادت تشبيه مشبه به وقه شبه مشبه مشبه به وقه شبه)

و كز كردن تنهائي است).

(۲) سه تشبيه ← اين نان و آب چرخ چو سيل است بي وفا
 ارادت تشبيه مشبه به وقه شبه مشبه مشبه به وقه شبه

من ماهي ام (تشبيه فشرده اسنادی) نهنگم (تشبيه فشرده اسنادی)
 مشبه مشبه به مشبه مشبه مشبه به

(۳) دو تشبيه ← مزع سبز فلك (اضافه تشبيه) / داس مه نو (اضافه تشبيه)
 مشبه مشبه به مشبه مشبه به

(۴) يك تشبيه ← لعل لب (اضافه تشبيه)
 مشبه به مشبه

(۵) چهار تشبيه ← فراز و نشيب ببيان عشق دام بلاست (تشبيه فشرده اسنادی)
 مشبه مشبه به

بيبيان عشق / دام بلا (اضافه تشبيه) / شيردل (تشبيه درون و ازهار)
 مشبه به مشبه مشبه به مشبه

(۶) دو تشبيه ← يوسف گل (اضافه تشبيه)
 مشبه به مشبه

زليخاي جوان شد عالم پير (تشبيه فشرده اسنادی) (منظور: زمستان رفت و بهار آمد).
 مشبه

(۷) دو تشبيه ← لبت تا در لطافت لاله سيراب را ماند
 مشبه وقه شبه مشبه به ارادت تشبيه

دل در بي قاري چشمء سيماب (جيوه) را ماند
 مشبه وقه شبه مشبه به ارادت تشبيه

(۸) يك تشبيه ← تنت را ديد گل ... چو مستان جامه را بدرید بر تن
 مشبه ارادت تشبيه مشبه به وقه شبه

(۹) دو تشبيه ← دل ما ... چو سرو ياي بند است / ... چو لاله داغ دارد. مشبه: دل (منزوف)
 مشبه ارادت تشبيه مشبه به وقه شبه

(۱۰) دو تشبيه ← چون پيالله دلم ... بشكست / همچو لاله جرم ... بسوخت
 ارادت تشبيه مشبه به مشبه وقه شبه

آزمون (۳)

- ۲۱** تعداد تشبیه در مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟
- ۱) بیا که ببل مطبوع خاطر حافظ
به بوی گلبن وصل تو می‌سراید باز (دو)
۲) آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست
چون عود گو به آتش سودا بسوز و ساز (سه)
۳) چنگ بنواز و بساز، ارنبود عود چه باک?
آتشم عشق و دلم عود و تنم مجرم گیر (سه)
۴) دل ما را که ز مار سر زلف تو بخست
از لب خود به شفاخانه تریاک انداز (دو)
- ۲۲** در کدام یک از اینات زیر، ردیف «وجه شبه» است؟
- ۱) شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو مليح
چشم و ابروی تو زیبا، قد و بالای تو خوش
۲) هم چو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف
هم چو سرو چمن خلد سرایای تو خوش
۳) شکر چشم تو چه گوییم که بدان بیماری
می‌کند درد مرا از رخ زیبای تو خوش
۴) در بیان طلب گرچه ز هر سو خطری است
می‌رود حافظ بیدل به تمثیل تو خوش
- ۲۳** تعداد تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟
- ۱) چه فتنه بود که مشاطه قضا انگیخت
که کرد نرگس مستش سیه به سرمه ناز
شیوه به روی تو روشن چو روز می‌گردید
۲) چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم
شیوه خون می‌چکد از شیوه چشم سیهش
۳) یا رب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید
دود آهیش در آینه ادراک انداز
۴) چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم
که دل به دست کمان ابرویی است کافر کیش
- ۲۴** در کدام بیت هر چهار رکن تشبیه ذکر شده است؟
- ۱) گوش کن پند، ای پسر، وز بهر دنیا غم مخور
گفتمت چون دُر حدیثی، گر توانی داشت هوش
۲) بوی شیر از لب هم چون شکرش می‌آید
گرچه خون می‌چکد از شیوه چشم سیهش
۳) حافظ غم دل باکه بگوییم که در این دور
جز جام نشاید که بود محروم رازم
۴) برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا
چو رای عاشقان گردنان چو طبع بیدلان شیدا
- ۲۵** نوع تشبیه بليغ، در کدام بیت متفاوت است؟
- ۱) کنون چه چاره که در بحر غم به گردای
فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق
۲) من شکسته بدهال زندگی یابم
در آن زمان که به تیغ غمث شوم مقتول
۳) مرغ روحمن که همی زد ز سر سدره صفیر
عقبت دانه خال تو فکندهش در دام
۴) دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس
نسیم روضه شیراز پیک راهت بس



۲۶

در کدام یک از ایيات زیر، قافیه «مشبه» است؟

- بازاً که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر
 کاندر غمت چو برق شد روزگار عمر
 هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر
 ز آن رو عنان گستته دواند سوار عمر
- ای خرَم از فروع رُخت لاله‌زار عمر
 از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
 تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟
 در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است

۲۷

نوع تشبيه در کدام بیت متفاوت است؟

- ز آن که گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس
 طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس
 بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
 ولیکن خنده می‌آید بدین بازوی بی‌زورش
- عشق بازی کار بازی نیست، ای دل، سر باز
 حافظ از مشرب قسمت گله نالاصافی است
 باغبان گر پنچ روزی صحبت گل بایدش
 کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سر از حافظ

۲۸

در بیت زیر، کدام واژه «مشبه» نیست؟

- همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
- رشتہ صبرم به مقراض غمت ببریده شد

- (۱) رشتہ (۲) مقراض (۳) مهر (۴) شمع

۲۹

کدام مجموعه از ترکیب‌ها، «اضافه تشییه‌ی» است؟

- (۱) مزید نعمت - شرط انصاف - مرغ سحر - کلاه شکوفه
 (۲) جیب مراقبت - امید اجابت - دیوار امت - قصه عشق
 (۳) پرده ناموس - کلاه شکوفه - سرور کائنا - درگاه خدا
 (۴) دریای معرفت - شب جهل - شکوفه اشک - آتش عشق

۳۰

در کدام ایيات از «اضافه تشییه‌ی» استفاده شده است؟

- (الف) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
 (ب) هست طومار دل من به درازای ابد
 (پ) من جان دلم را که این مرغ وحشی
 (ت) دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم
 (ث) دلا جام و ساقی گل رخ طلب کن
- (نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
 بر نوشته ز سرش تا سوی پایان تو مرو
 ز بامی که برخاست مشکل نشیند
 نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم
 که چون گل زمانه ندارد بقایی
- (۱) الف، ب، ت (۲) الف، ب، پ
 (۳) ب، ت، ث (۴) ب، پ، ت



استعاره



استعاره یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبّه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پیدا مده است؛ مثلاً:

با کاروان حله بر قدم ز سیستان با حلة تیده ز دل باقه ز جان

در مصراج اول، حله در معنای حقیقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراج دوم، استعاره از شعر است.

صفدار گوهرشاسان راز دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

«گوهر» استعاره از: سخن ارزشمند / «لؤلؤ» استعاره از: سخن ارزشمند

چون به دریا می‌توانی راه یافت سوی یک شینم چرا باید شافت

«دریا» استعاره از: ذات اقدس الهی (عشق الهی) / «شینم» استعاره از: عشق مجازی یا هر چیز غیر از خدا

صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید، تو

«خورشید» استعاره از: ذات اقدس الهی / «سایه جاوید» استعاره از: مخلوقات که سایه حق تعالی هستند.



انواع استعاره

مصرحه: تشبیه‌ی که فقط مشبه‌به آن باقی‌مانده است.

تشخصی (جان‌بخشی): نسبت دادن ویژگی انسانی به هر چیزی جز انسان

استعاره

غیرتشخصی: مشبه‌ی که به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبه می‌آید (نسبت دادن ویژگی غیر انسانی).

مکنیه

با مروری به تشبیه، توجه داشته باشید:

تشبیه گسترده ← مشبه + مشبه‌به + وجه شبه + ادات تشبیه (سه یا چهار رکن تشبیه وجود دارد.)

تشبیه فشرده ← مشبه + مشبه‌به

استعاره ← مشبه یا مشبه‌به

توجه: دانستن نام انواع استعاره برای دانش‌آموزان غیرانسانی ضرورتی ندارد، ولی این دانش و تقسیم‌بندی به فهم استعاره منجر می‌شود.



تفاوت استعاره مصرحه با تشبیه

تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت

مشبه به مشبه (تشبیه بالغ اضفای)

ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز

استعاره مصرحه از پهنه معشوق

در بیت اول هم مشبه و هم مشبه‌به ذکر شده است، ولی در بیت دوم، مشبه وجود ندارد.

در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشن چراغ دریغ

در مصراج اول، دو چشم به چراغ تشبیه شده است؛ چراغ دو چشم ← اضافه تشبیه‌ی. ولی در مصراج دوم، لفظ چشم ذکر نشده فقط چراغ (مشبه‌به) گفته شده است، چراغ در مصراج دوم استعاره مصرحه از چشم است.



توجه: معمولاً استعاره مصرحه را «استعاره» می‌گویند.

▫ استعاره مکنیه از نوع تشخیص را «جانبخشی» یا «تشخیص» می‌گویند.

▫ استعاره مکنیه غیرتشخیص را «استعاره مکنیه» می‌گویند.

به عبارت دیگر، هرگاه یک ویژگی را به شیء، گیاه، حیوان و ... نسبت بدھیم که متعلق به آن نباشد؛ استعاره مکنیه به وجود می‌آید. حال اگر ویژگی نسبت داده شده، ویژگی انسانی باشد، جانبخشی و اگر ویژگی نسبت داده شده، غیر انسانی باشد، استعاره مکنیه شکل گرفته است.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

گرچه من خود ز عدم دلخوش و خندان زادم **عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن**
اموختن، ویژگی انسانی است؛ پس جانبخشی پدید آمده است.

هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید **در رهگذار باد نگهبان لاله بود**
شاعر، مهر را گیاهی دانسته که کاشته می‌شود).

شاعر، ویژگی کاشتن را به مهر نسبت داده است. این ویژگی متعلق به مهر است؟ خیر / انسانی است؟ خیر / پس استعاره مکنیه رخ داده است.

قض‌چون ز گردون فروهشت پر **همه زیر کان کور گردند و کر**
شاعر، قض را پرنده‌ای تصوّر کرده که بال می‌گشاید، پر باز کردن ویژگی قض (سرنوشت) است؟ خیر، پس استعاره مکنیه به وجود آمده است.
(همه این‌ها روی هم استعاره محسوب می‌گردند).

ماه بییند رخ خود را به من

چون بگشایم ز سر مو، شکن

«مو» استعاره از: آب / «شکن» استعاره از: موج

جانبخشی → رخ خود (ماه) (ماه رخ خود را بییند).

باغ ز من حامل سرمایه شد

ابر ز من صاحب پیرایه شد

«سرمایه» استعاره از: باران / «پیرایه» استعاره از: گل‌ها و گیاهان

جانبخشی → ابر حامل سرمایه شد. / باغ صاحب پیرایه شد.

بادی که در زمانه بسى شمع‌ها بکشت

هم بر چراغدان شمانیز بگذرد

«باد» استعاره از: مرگ / «شمع» استعاره از: زندگی / «چراغدان» استعاره از: زندگی / وجود

ای تو رمه سپرده به چویان گرگ طبع

این گرگ شبان شمان نیز بگذرد

«رمه» استعاره از: مردم / «چوپان» استعاره از: حاکم گرگ صفت / «شبان» استعاره از: حاکم

از این مرز فرخنده مرد خیز

کنام پلنگان دشمن سستیز

«پلنگان» استعاره از: پهلوانان

حالی آن لعل آبدار گشاد

پیش آن ریگ آبدار نهاد

«ریگ» استعاره از: شر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

شر که آن دید دشنه بازگشاد

پیش آن خاک تشنه رفت چو باد

«خاک تشنه» استعاره از: خیر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

شد چون مه لیلی آسمان گیر

چون رایت عشق آن جهان گیر

«مه» استعاره از: چهره زیبای لیلی

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

بنمای رخ که باغ و گلستان آرزوست

«قند» استعاره از: سخن زیبا و دلنشیز

هرگاه اوازه‌ای جز انسان مورد خطاب واقع شود (منادا شود)، اگر استعاره مصرحه از خدا یا انسان

نباشد، جانبختی (تشخیص) است.

به مثال‌های زیر توجه کنید.

باز ای سپیده شب هجران نیامدی
مبادا خالیات شکر ز منقار
که خوش نقشی نمودی از خط یار

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
الا ای طوطی گویای اسرار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید

در بیت اول، هم منظور از «ستاره تابان» و هم منظور از «سپیده شب هجران» یار است، پس این دو، استعاره مصرحه از یار هستند.

در دو بیت بعدی «طوطی» مورد خطاب واقع شده است و با توجه به مصraig دوم، در می‌یابیم منظور، یار یا هر چیز دیگر نیست و فقط خود طوطی موردنظر است، پس استعاره ممکنیه به وجود آمده است.

چند مرده حابیب

انواع استعاره را در ابیات و عبارات زیر بیایید و در مورد هر یک توضیح دهید.

(۱) الهی بر تن و جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار.

(۲) به صحرا شدم عشق باریده بود.

ناچار کاروان شما نیز بگذرد
بنشینیم و بنشانیم، گل بر سر ش افسانم
من خامشمن این ترانه از توست

(۳) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت

(۴) بخت آن نکند با من، کان شاخ صنوبر را

(۵) ای عشق همه بهانه از توست

(۶) آسمان تعطیل است / بادها بی‌کارند / ابرها خشک و خسیس / حق هق گریه خود را خورند

(۷) گاه تنهایی / صورتش را به پس پنجره می‌چسبانید / شوق می‌آمد / دست در گردن حس می‌انداخت / فکر بازی می‌کرد

می‌زد به جانم آتش آهی که می‌کشیدم
به هر کس آن‌چه می‌پاییست داده است
ای خوشاین جهان بدین هنگام

(۸) می‌کند بیخم از جا اشکی که می‌نشاندم

(۹) در نایسته احسان گشاده است

(۱۰) گل بخديده و باغ شد پدرام

پاسخ

(۱) استعاره ممکنیه ← نویسنده، تن و جان را صفحه‌ای دانسته که قابل نگاشتن است.

(۲) استعاره ممکنیه ← نسبت دادن باریدن به عشق

(۳) استعاره مصرحه ← «کاروان سرا» استعاره از: دنیا / «کاروان» استعاره از: زندگی انسان‌ها

(۴) استعاره مصرحه ← «شاخ صنوبر» استعاره از: محیوب



- (۵) استعارة مکنیه از نوع جان‌بخشی ← عشق (مورد خطاب واقع شده است).
- (۶) استعارة مکنیه ← آسمان تعطیل است (نسبت دادن تعطیلی به آسمان)
- استعارة مکنیه از نوع جان‌بخشی ← بادها بی‌کارند / ابرها ... خسیس / حق گریه خود (ابر) را خورند.
- (۷) استعارة مکنیه از نوع جان‌بخشی ← صورت تنهایی / صورت به پنجه چسباندن / آمدن شوق / دست در گردن انداختن شوق / اگرden حس / بازی کردن فکر
- (۸) استعارة مکنیه ← شاعر، خود را گیاهی دانسته که در اثر ریختن اشک، بیخ (ریشه) اش از جا کنده می‌شود.
- (۹) استعارة مکنیه ← در نابسته احسان (نسبت دادن در به احسان) شاعر، احسان را بنایی دانسته که در دارد.
- (۱۰) استعارة مکنیه از نوع جان‌بخشی ← خنديدين گل / پدرام (شاداب) شدن باع

ازمون (۲)

۳۱ با توجه به بیت زیر، کدام یک از گزینه‌ها «استعاره» است؟

- غمی که چون سپه زنگ مُلک دل بگرفت ز خیل شادی روم رخت زداید باز
 ۱) سپه زنگ ۲) مُلک دل ۳) خیل شادی ۴) روم رخت

در کدام مصراج «استعاره مصرحه» به کار نرفته است؟

- ۱) عاقبت منزل ما وادی خاموشان است ۲) ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد
 ۳) فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم ۴) به گرد سرو خرامان قامت نرسیدم
 ۵) در بیت زیر جماعت چند «استعاره مصرحه» وجود دارد؟

- ژاله از نرگس چکید و برگ گل را آب داد وز تگرگ ناز پرور مالش عتاب داد
 ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

در کدام بیت «ماه» استعاره مصرحه از «محبوب» است؟

- آبروی خوبی از چاه زنخدان شما ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
 در لحد ماه کمان! بر روی من منزل کرد آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ
 از نظر تاشب عید رمضان خواهد شد ماه شب عaban منه از دست قبح کاین خورشید
 میان ماه و رخ یار من مقابله بود ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش

در کدام بیت، مناد، استعاره‌ای متفاوت خلق کرده است؟

- که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است ۱) بنال بلبل، اگر با منت سر یاری است
 دل مجروح من پیشش سپر باد ۲) بترا چون غمزهات ناوك فشاند
 زین سیل دمداد که در این منزل خواب است ۳) بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود
 که صد جمشید و کیخسرو غلام کمترین دارد ۴) صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان

در کدام شعر «جان‌بخشی» وجود ندارد؟

- ۱) من دلم می‌خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تدار بیان بکشم
 ۲) که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره‌گون شقیقه‌هات / اقتدا می‌کند
 ۳) انجیر کهن سرزندگی اش را می‌گسترد / زمین باران را صدا می‌زند / گردش ماهی آب را می‌شیارد
 ۴) از ماه بگوییم؟ پیش ترها گفته‌اند، از گل؟ / آه ... / یا من دیر شاعر شده‌ام / یا تو بیش از حد زیبایی

۳۷) در همه ابیات به جز «استعاره» و «تشبیه» به کار رفته است.

هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم
آنگه عیان شود که بود موسم درو
نشاید چو بلبل تماشای باع
بهار توبه شکن می‌رسد چه چاره کنم

در کدام ابیات، دو نوع استعاره متفاوت به کار رفته است؟

منزل آن مه عاشق‌کش عبار کجاست?
که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد?
تو آزادی و خلقی در غم رویت گرفتاران
تن زن زمانکی و بیاسای و کم گروی

۴) الف، پ ۳) الف، پ ۲) الف، ت

- (۱) نا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق
(۲) تخم وفا و مهر در این کهنه کشتزار
(۳) مرا برف باریده بر پر زاغ
(۴) به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم

۳۸) در کدام ابیات، دو نوع استعاره متفاوت به کار رفته است؟

- (الف) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست?
ب) سحر بلبل حکایت با صبا کرد
پ) الا ای باد شبگیری بگو آن ماه مجلس را
ت) ای ابر بهمنی نه به چشم من اندری

۲) ب، ت ۱) ب، پ

۳۹) با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه، هر دو عبارت «جان‌بخشی» دارند؟

به غمze گوی که قلب ستمگری بشکن
به زلف گوی، به غمze گوی

۲) به زلف گوی، قلب ستمگری
۴) آینین دلبری، به غمze گوی

- به زلف گوی که آینین دلبری بگذار
(۱) به زلف گوی، قلب ستمگری
(۳) آینین دلبری، قلب ستمگری

۴۰) در کدام یک از ابیات زیر، بیش از یک «استعاره» به کار رفته است؟

پیش تر ز آن که شود کاسه سر خاک انداز
خلق را از دهن خویش مینداز به شک
ز روی دختر گل‌چهر رز نقاب انداز
که مهر خاتم لعل تو هست همچو عقیق

- (۱) خیز و در کاسه زر آب طربناک انداز
(۲) بگشا پسته خندان و شکریزی کن
(۳) به نیم‌شب اگرت آفتاب می‌باید
(۴) اگر به رنگ عقیقی شد اشک من چه عجب

آزمون (۵)

۴۱) در کدام یک از ابیات زیر، «نرگس» استعاره از «چشم» نیست؟

نیمشب دوش به بالین من آمد بنشست
مست از می و میخواران، از نرگس مستش مست
خون عاشق به قبح گر بخورد نوشش باد
فوشود تا برآمد یک گل زرد

۴۲) در کدام بیت «مناد» استعاره مصرحه نیست؟

چون ساغرت پر است، بنوشان و نوش کن
مشک سیاه مجرمه‌گردان خال تو
عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز
باده صاف دائمت در قبح و پیاله باد

- (۱) ای نور چشم من سخنی هست گوش کن
(۲) ای آفتاب آینه‌دار جمال تو
(۳) ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز
(۴) ای مه برج منزلت چشم و جراح عالمی

۴۳) با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه هر دو عبارت، «استعاره» دارد؟

غلغل چنگ در این گنبد مینا فکنم
غلغل چنگ - گنبد مینا
جرعه جام - گنبد مینا

- (۱) تخت روان - گنبد مینا
(۳) جرعه جام - غلغل چنگ



آزمون جامع (۳۹)

۳۸۱ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

آن چه جگرسوزه بود باز جگرسازه شود

راز نهان دار و خمش ور خمشی تلخ بود

(۱) کنایه، حس‌آمیزی، متناقض‌نما، جناس

(۲) استعاره، حسن تعلیل، متناقض‌نما، جناس

(۳) استعاره، حس‌آمیزی، اسلوب معادله، تکرار

(۴) کنایه، حسن تعلیل، اسلوب معادله، تکرار

۳۸۲ در کدام بیت زیر «اسلوب معادله و استعاره» به کار رفته است؟

رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت

(۱) وضع زمانه قابل دیدن دو بار نیست

یک نیزه خون گل ز سر ارغوان گذشت

(۲) از دستبرد حسن تو بر لشکر بهار

آن هم کلیم با تو بگوییم چه سان گذشت

(۳) بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

(۴) یک روز صرف بستن دل شد با آن و این

۳۸۳ در تمام عبارات زیر، به جز «سجع و کنایه» به کار رفته است.

(۱) به حجت با او بس نیامد، سپر بینداخت و برگشت.

(۲) بی هنر لقمه چیند و سختی بیند.

(۳) لا جرم در پی آن ره به کوشش برد و خون جگر خورد.

(۴) جالینوس، ابله‌ی را دید دست در گریبان داشتمندی زده و بی حرمتی همی کرد.

۳۸۴ آرایه درج شده در مقابل کدام شعر نادرست است؟

(۱) ای دردهامان مشترک / همنزگ / همگام / چشمهم هوای گریه دارد (ایهام)

(۲) و قلب تو / غمگین ترین سرود سکوت‌ش را / تا مرز بی‌نهایت تنهایی / می‌خوانده است (متناقض‌نما)

(۳) در سکوتی تلخ می‌پرسی / قد کشیده گرد تو دیوارهای شب (حس‌آمیزی)

(۴) این صداقت گسترده / ای کاش در بلندی اندیشه‌های تو / یک دم مجال پرزدنی یابد (ایهام تناسب)

۳۸۵ هر دو آرایه ذکر شده در مقابل ابیات یه‌جز بیت درست است.

عقاب دلاور بی‌فکنند پر (کنایه، استعاره)

(۱) بر فتند از آن جای شیران نر

همی گرد رزم اندر آمد به ابر (اغراق، واج‌آرایی)

(۲) بشد تیز رهّام با خود و گیر

برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس (مجاز، کنایه)

(۳) برآویخت رهّام با اشکبوس

سر سرکشان زیر سنگ آورد (واج‌آرایی، کنایه)

(۴) پیاده ندیدی که جنگ آورد

۳۷۶ در شعر زیر، کدام واژه دارای مفهوم مجازی است؟

از پولادی / که در کوفه / برج آفتتاب را دو شق کرد

آفتتاب

برج

کوفه

پولاد

۳۷۷ در کدام بیت یکی از آرایه‌های ذکر شده در مقابل آن درست نیست؟

نبازند هرگز به مردارها (استعاره، حسن تعلیل)

۱) ولی رادم—ردان و وارستگان

به دامان گلشن ز رگبارها (تشخیص، استعاره)

۲) بهاران که شباباش ریزد سپهر

که در پای این گل بود خارها (استعاره، جان بخشی)

۳) فریب جهان را مخمور زینهار

بهل گر بگیرند بیکارها (ایهام، مجاز)

۴) پیپایی بکش جام و سرگرم باش

۳۷۸ در کدام بیت «تشبیه» وجود ندارد؟

سر حکمت به ما که گوید باز؟

۱) جز فلاطون خمنشین شراب

ساغری از لیش نبوید باز

۲) نگشاید دلم چو غنچه، اگر

که در مقام رضا باش وز قضا مگریز

۳) بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت

ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش

۴) تا بر دلش از غصه غباری نشیند

۳۷۹ کدام بیت فاقد «استعاره مکنیه» است؟

زان که زنگار از زُخش ممتاز نیست

۱) آینه‌هات دانی چرا غمّاز نیست؟

ماه نو در عین خجلت از خم ابروی دوست

۲) شاخ گل در بند خواری از قد موزون یار

بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم؟

۳) به عزم توبه، سحر گفتم استخاره کنم

کز دست غم خلاص من آن جا مگر شود

۴) خواهم شدند به میکده گریان و دادخواه

۳۸۰ ایيات زیر را چگونه می‌توان تنظیم کرد که به ترتیب از بالا به پایین، دارای مجاز با مفاهیم

«کاخ، شعر، کشتن و چشم» باشد؟

زان که داند که سر بود غماز

الف) عشق با سر بریده گوید راز

چه سوزی دل پیر گشته پدر؟

ب) به خون برادر چه بنده‌ی کمر؟

وز دیده، دوم دجله بر خاک مداين ران

پ) یک وه ز لب دجله منزل به مداين کن

چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سُفت

ت) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت

۲) ب، الف، پ، ت

۴) ت، پ، الف، ب

۱) الف، ب، ت، پ

۳) پ، ت، ب، الف



آزمون جامع (۲)

۳۹۱ آرایه درج شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

هر چه بدانی مگوی، هر چه توانی مکن (لف و نشر)
گوش نه بر بُوی گل تابشنوی افسانه‌ام (حس آمیزی)
 بشکستن آن درست می‌دانستم (تضاد)
 در دُکان به چه رونق بگشاید عطّار (مراعات نظری)

- ۱) گر دهدت روزگار دست و زبان، زینهار
- ۲) رفته‌ام عمری است زین گلشن به یاد جلوه‌ای
- ۳) من عهد تو ساخت، سست می‌دانستم
- ۴) باد بُوی سمن آورد و گل و نرگس و بید

۳۹۲ آرایه درج شده در مقابل کدام بیت نادرست است؟

تستطیعوا تنفذوا را باز دان (تلخ)
 پست بنشین یا فرودا والسلام (ایهام)
 دل ببینیم و به ظاهر ننگریم (تضاد)
 این چنین گفتند جمله عالمان (اشتقاق)

- ۱) معاشر الجن سورة رحمٰن بخوان
- ۲) بسر کنار بسامی ای مسٰت مدام
- ۳) مَا كَهْ باطن بین جملة کشوریم
- ۴) چاه مظلوم گشت ظلم ظالمان

۳۹۳ در کدام بیت واژه «عالِم» در مقابل مفهوم مجازی به کار رفته است؟

چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست
 آمد مگسی پدید و ناییدا شد
 زان که در کم خردی از همه عالم بیش
 گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

- ۱) آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
- ۲) آمد شدن تو اندر این عالم چیست
- ۳) شاه شوریده سران خوان من بی‌سامان را
- ۴) هر دو عالم یک فروغ روی اوست

۳۹۴ هر دو آرایه درج شده در مقابل تمام ابیات به جز درست است.

خود سیاه این روز من از دود اوست (کنایه، جناس)
 لیک ز اوّل آن بقا اندر فناست (تکرار، تضاد)
 کل شیء هالک آلا وجهه (تفصین، حس آمیزی)
 هستی اندر نیستی خود طرفه‌ای است (تلخ، متناقض‌نما)

- ۱) گفت ای شه، مرگ من از بود اوست
- ۲) گرچه آن وصلت بقا اندر بقاست
- ۳) وز ملک هم بایدم جستن ز جو
- ۴) هالک آید پیش و جهش هست و نیست

۳۹۵ آرایه‌های «اغراق، تضاد، حس آمیزی، متناقض‌نما، لف و نشر و مراعات نظری» به ترتیب

داد فتو و لب شکوه فرو دوخت مرا
 پریشان کرده‌ای مجموع مشتاقان، خدا حافظ
 کز شعر من گلایه به افلک می‌رسد
 کاین زمان با جوهر خون بر خط دفتر گذشت
 قسم به تین و به زیتون، به نمل و سجده و نصر
 اینک زمان هجرت از خویش تا بروون است

(۲) پ، ت، ب، الف، ج، ث

(۴) الف، ت، ب، پ، ث، ج

- (الف) به من آموخت که خاموش بسوزم چون شمع
- (ب) سفرکردی چه تلخ‌ای آن که شیرین است گفتارت
- (پ) شاید که روح رابعه در من دمیده است
- (ت) قصّه کفر است و ایمان ظلمت شب نور صبح
- (ث) به آیه آیه قرآن، قسم به سوره عصر
- (ج) برخیز و بشکن ای دوست بتخانه درون را

(۱) الف، ج، ت، ب، ث، پ

(۳) پ، ج، ب، الف، ت، ث

در سماع سرخ سربازان حق از سر گذشت

۲) تشبيه، حسن تعليل، اغراق، حس آمیزی

۴) استعاره، اسلوب معادله، اغراق، پارادوکس

۳۹۶ در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابله آن نادرست ذکر شده است؟

شعله طلف نی سواری بیش نیست (کنایه، واج آرایی)

کاین گلستان خندهواری بیش نیست (استعاره، تشخیص)

از تنک آبی کناری بیش نیست (مراعات نظریه، استعاره)

فرصت مانیز، باری بیش نیست (تشبیه، ایهام)

۳۹۷ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق

۱) استعاره، حسن تعليل، اغراق، حس آمیزی

۳) تشبيه، اسلوب معادله، واج آرایی، پارادوکس

۳۹۸ در کدام بیت، واژه مشخص شده «مجاز» نیست؟

تو در روی جوهر کشی رنگ را

چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

نداند که چون کردی آغازشان

تویی آفریننده هر چه هست

۱) برق با شوقم شراری بیش نیست

۲) می‌رود صبح و اشارت می‌کند

۳) غرقه وهمیم ورنه این محیط

۴) ای شررا! از همراهان غافل می‌اش

۳۹۹ در کدام بیت، واژه مشخص شده «مجاز» نیست؟

تو از در روی جوهر کشی رنگ را

چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

نداند که چون کردی آغازشان

تویی آفریننده هر چه هست

۱) جواهر تو بخشی دل سنگ را

۲) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای

۳) مهندس بسی جوید از رازشان

۴) همه آفریده است بالا و پست

۴۰۰ در کدام بیت، همه «آرایه‌های کنایه، جناس، استعاره، تشخیص و تشبيه» به کار رفته است؟

تا نباشد در پس دیوار گوش

همی هر کسی کرد ساز نبرد

چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

نشاید پس از مرگش الحمد خواند

۱) پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار

۲) برآشفت ایران و برخاست گرد

۳) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت

۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند

۴۰۱ در کدام بیت، چرخ مینا شکند شیشه عمر تو به سنگ

گرز مینا می گلنگ به ساغر نکنی

تالگ قامتت از باده مخمر نکنی

که ثنای کف بخشندۀ داور نکنی

که براتم به لب چشمۀ کوثر نکنی

۱) چرخ مینا شکند شیشه عمر تو به سنگ

۲) پیر خمار تو را خشت سر خم نکند

۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیف است

۴) چشم دارم ز لب لعل تو من ای ساقی

لیست کنایات فارسی دهم

ستایش (به نام گردگار)

«یار کردن» کنایه از: همراه کردن	الهی فضل خود را یار ما کن
«نظر در کار کسی کردن» کنایه از: حل کردن مشکل کسی، یاری کردن / توجه و عنایت	ز رحمت یک نظر در کار ما کن
«پرده برداشتن» کنایه از: آشکار کردن	حقیقت پرده برداری ز رخسار
«خندان بودن گل» کنایه از: شکفتن گل	گل از شوق تو خندان در بهار است

درس یکم (چشم) / گنج حکمت (خلاصه دانش‌ها)

«چهره‌نما» کنایه از: خودنمایی / جلوه‌گر	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«تیزپا» کنایه از: شتابان و سریع	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«کف به دهان بر زدن» کنایه از: خشمگین شدن	گه به دهان بر زده کف چون صدف
«تاج سر بودن» کنایه از: مایه افتخار بودن	تاج سر گلبن و صحراء من
«کل مصراع» کنایه از: عزیز شمردن	بوسه زند بر سر و بر دوش من
«ره به پایان بردن» کنایه از: همراهی کردن	در بر من ره چو به پایان برد
«سر به گریبان بردن» کنایه از: پنهان شدن از روی خجالت	از خجلی سر به گریبان برد
«همسری» کنایه از: برابری	کیست کند با چو منی همسری
«مست شده» کنایه از: از خود بی خود شده	زین نمط آن مست شده از غرور
«فلک کرده کر» کنایه از: صدای بسیار بلند	نعره برآورده فلک کرده کر
«دیده سیاه کردن» کنایه از: عصبانیت	دیده سیه کرده شده زَهره در
«رَّهْرَه در شدن» کنایه از: ترسناک شدن	
«قدم در کشیدن» کنایه از: دوری کردن / عقب‌نشینی	خواست کزان و رطه قدم در کشد
«برتر کشیدن» کنایه از: نجات دادن / رها کردن	خویشتن از حادثه برتر کشد
«گوش ماندن» کنایه از: ساكت و خاموش شدن	کز همه شیرین سخنی گوش ماند
«قدم به جایی گذاشتن» کنایه از: وارد شدن به جایی	تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام
«سیراب شدن» کنایه از: به نهایت رضایت رسیدن	از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

درس دوم (از اموختن، ننگ مدار) / روان‌خوانی (دیوار)

«گندنمای جوفروش» کنایه از: دور و متظاهر / ریاکار	تا گندنمای جوفروش نباشی
«کل عبارت» کنایه از: دل و زبانست یکی باشد، ریاکار نباش	به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار

لیست کنایات فارسی یازدهم

ستایش (طف خدا)

«چاشنی بخش» کنایه از: زیباکننده	به نام چاشنی بخش زبان ها
«حلوات سنج» کنایه از: زیباکننده	حلوات سنج معنی در بیان ها
«سربلندی» کنایه از: برتری یافتن، افتخار	بلند آن سر که او خواهد بلندش
«یک موی» کنایه از: چیز بسیار اندک و ناچیز	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
«یک موی بیش و کم نبودن» کنایه از: کامل بودن / بی نقص بودن	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
«پای یک سو نهادن» کنایه از: کناره گیری از انجام کار، همراه نبودن	اگر توفيق او یک سو نهد پای
«تیره رایی» کنایه از: جهالت / گمراهی	بماند تا ابد در تیره رایی

درس یکم (نیکی) / گنج حکمت (همت)

«به سر بردن» کنایه از: گذراندن، سپری کردن	که چون زندگانی به سر می برد
«شوریده رنگ» کنایه از: آشفته حال	در این بود درویش شوریده رنگ
«نگون بخت بودن» کنایه از: بدبخشی و بیچارگی	شغال نگون بخت را شیر خورد
«روزی رسان» کنایه از: خداوند	که روزی رسان قوت روزش بداد
«بیننده کردن» کنایه از: آگاه و با بصیرت کردن	یقین مرد را دیده بیننده کرد
«تکیه کردن» کنایه از: توکل کردن	شد و تکیه بر آفریننده کرد
«به کنجی نشستن» کنایه از: بیکار ماندن / دست به کاری نزدن	کزین پس نشینم به کنجی چو مور
«چو مور بودن» کنایه از: ناتوانی	کزین پس نشینم به کنجی چو مور
«کل مصراع» کنایه از: تلاش و کوشش نکردن	زنخدان فرو برد چندی به جیب
«تیمار خوردن» کنایه از: کمک کردن	نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
«خود را انداختن» کنایه از: خود را ناتوان و درمانده نشان دادن	مینداز خود را چو رویاه شل
«کل مصراع» کنایه از: الهام غیبی رسیدن	ز دیوار محرايش آمد به گوش
«کل مصراع» کنایه از: حاصل تلاش خود را خواهی دید.	که سعیت بود در ترازوی خویش
«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن، یاری رسانی	بگیر ای جوان دست درویش پیر
«خود را افکدن» کنایه از: اظهار ناتوانی و درماندگی	نه خود را بیفکن که دستم بگیر
«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن و یاری رسانی	نه خود را بیفکن که دستم بگیر
«مغز در سر داشتن» کنایه از: دانا بودن / خردمندی	کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست



لیست کنایات فارسی دوازدهم

درس یکم (شکر نعمت) / گنج حکمت (گمان)

از دست و زبان که برآید	کل مصراع» کنایه از: توانایی
پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد	پرده دریدن» کنایه از: رسوا کردن
تا تو نانی به کف آری و ...	به کف آوردن» کنایه از: به دست آوردن
یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار	پریشان روزگار» کنایه از: بیچاره و بدخت
ایزد تعالی در او نظر نکند	نظر کردن» کنایه از: عنایت و توجه
بی دل از بی نشان چه گوید باز	بی دل» کنایه از: عاشق
بی دل از بی نشان چه گوید باز	بی نشان» کنایه از: خداوند (مشوق)
یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود	سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از: در حالت تأمل و نفگر عارفانه خود را از هر چیزی جز خدا حفظ کردن
در بحر مکاشفت مستغرق شده	مستغرق شدن در چیزی» کنایه از: بی بردن به حقایق
دامن از دست برft	دامن از دست رفتن» کنایه از: بی اختیاری

درس دوم (مست و هشیار) / شعرخوانی (در مکتب حقایق)

گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»	افتان و خیزان رفتن» کنایه از: تعادل نداشتن
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»	هموار نبودن راه» کنایه از: اوضاع نامساعد جامعه
گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»	بیدار نبودن» کنایه از: غفلت و ناآگاهی
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	دینار دادن» کنایه از: رشو خواری
گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»	نقشی ز پود و تار» کنایه از: فقیرانه و پوسیده و نخنما بودن / کهنه
گفت: «آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه»	کلاه از سرفتدن» کنایه از: عدم تعادل، بی ادبی، مستی
گفت: «می سپار خوردی، زان چنین بی خود شدی»	بی خود شدن» کنایه از: مستی زیاد، بی اختیاری
گفت: «هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست»	هشیار» کنایه از: آگاه
ای بی خبر، بکوش که صاحب خبر شوی	صاحب خبرشدن» کنایه از: شناخت و معرفت پیدا کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	راهرو بودن» کنایه از: پیروی کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	راهبر شدن» کنایه از: هدایتگری
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	دست شستن» کنایه از: ترک کردن
تا کیمیای عشق ببابی و زر شوی	زر شدن» کنایه از: متعالی شدن / به کمال رسیدن
آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی	به خویش رسیدن» کنایه از: متعالی شدن



آرایه‌های ادبی یک بیت مورد ارزیابی واقع می‌شود.

الگوی اول

- ۱۰۱ آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟**
- (تمبر ۹۹) نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند
 ۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام
 ۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
- ۱۰۲ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟**
- (عمومی انسانی ۹۹) به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی
 ۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 ۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
- ۱۰۳ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟**
- (افتراضی انسانی ۹۹) جهانی راز باغ عشق برخوردار می‌بینم
 ۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام
 ۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی
- ۱۰۴ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟**
- (افتراضی انسانی ۹۹) تویی آن کس که در عالم به جفت ابروan طاقد
 ۲) تشخیص، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
 ۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس
- ۱۰۵ آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟**
- (زبان ۹۹) که چون در نقطهٔ موهوم این سپاره پنهان شد
 ۲) پارادوکس، تشخیص، کنایه، مجاز
 ۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز
- ۱۰۶ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟**
- (هنر ۹۹) به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحراء
 ۲) تشخیص، مجاز، کنایه، پارادوکس
 ۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراءات نظری
- ۱۰۷ آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟**
- (فارغ از کشوار ۹۹) پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد
 ۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل
 ۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل
- ۱۰۸ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟**
- (فارغ از کشوار عمومی انسانی ۹۹) که چرا روز فراق و شب هجران تار است
 ۲) حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس
 ۴) تشبیه، لفّ و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس



۴۸۹ در بیت «ما دل از دنیای پوج بی نقا برداشتیم / یک قلم زین استخوان دل چون هما برداشتیم» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟
(هندز ۸۷)

(۲) کنایه، تشبیه، استعاره، مراعات نظری

(۳) ایهام تناسب، حس‌آمیزی، استعاره، تشخیص

۴۹۰ در بیت «چو مرده زنده شوم گر به خنده آب حیات / از آن دو شگر شیرین مقال بگشاید» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟
(هندز ۸۷)

(۲) تشبیه، حس‌آمیزی، مجاز

(۴) تضاد، استعاره، حس‌آمیزی

(۱) تشبیه، استعاره، تشخیص، ایهام

(۳) مراعات نظری، کنایه، ایهام، تشبیه

(۱) تشبیه، ایهام، پارادوکس

(۳) استعاره، تضاد، ایهام

دو یا چند آرایه در صورت سوال ذکر می‌شود.

الگوی دوم

۴۹۱ در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟
(بیانی ۹۹)

سودای کج مپز، که نباشد مجال تو
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو
همچو لاله، جگرم بی می و خمانه سوخت

(۱) حافظ در این کمند سر سرگشان بسی است

(۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟

(۳) صحن سرای دیده بشتم، ولی چه سود؟

(۴) چون پیاله، دلم از توبه که کرد بشکست

۴۹۲ در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟
(تمهیبی ۹۹)

ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
ای بوتر نگران باش که شاهین آمد
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

(۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هوایکر

(۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه

(۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است

(۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه

۴۹۳ در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟
(عمومی انسانی ۹۹)

زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود
می‌ساختم چو بربط و می‌سوختم چو عود

(۱) دو، دو

(۲) سه، سه

(۳) یک، دو

(۴) دو، سه

۴۹۴ کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟
(افتراضی انسانی ۹۹)

چندی به زبان همه کس چون خبر افتمن
بر طرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

(۱) خواهیم ز پس پرده تقوا به در افتمن

(۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند

(۳) نه طرهات غم شب‌های تار من دارد

(۴) من آن نی ام که کند یار اجتناب از من

۴۹۵ در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز:
(افتراضی انسانی ۹۹)

تا عنان دل شیدا بشد از جنگ مرا
در آبگون ساغر فکن آن آب آتش‌زنگ را
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را
تاز آینه خاطر بیرد زنگ مرا

(۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ

(۲) مگدار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را

(۳) ای تُرك آتش‌رخ بیار آن آب آتش فام را

(۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار



۵۴۰ در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، کنایه، مراتعات نظیر» وجود دارد؟ (عمومی انسانی ۸۷)

کس ننهد آینه در پیش کور
الله من داغنے یاسمن
یافته آوازه سرو سهی
حرف خجالت‌زده بر لوح عاج

- (۱) این همه بیننده ز نزدیک و دور
(۲) نگرس من چشم و چراغ چمن
(۳) از صفت قامت من کوته‌ی
(۴) طلعت من خواسته از مه خراج

۵۴۱ در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و مراتعات نظیر» به کار رفته است؟ (افتصاصی انسانی ۸۷)

خرمن بلبل بسوخت زمزمه زار من
تا تو کمر بسته‌ای از پی آزار من
میل خلاصی نکرد مرغ گرفتار من
از مژهات بنگشت بخت نگونسار من

- (۱) آب رخ گل بریخت لاله رخسار تو
(۲) ناله برآمد ز کوه از اثر زاریم
(۳) تاخم زلف تو را دام دلم کرده‌اند
(۴) با همه تیر بلا کامده بسر دل مرا

۵۴۲ در همه بیت‌ها، به استثنای بیت، هر دو آرایه «استعاره و تشخیص» به کار رفته است. (افتصاصی انسانی ۸۷)

ندام آن مه تابان چه در کمان دارد
که تاب جلوه آن یار مهربان دارد
که ترک عشوگری تیر در کمان دارد
رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد

- (۱) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست
(۲) ز سخت جانی آینه حیرتی دارم
(۳) سzed که اهل نظر سینه را نشان سازند
(۴) ز هر طرف به تظلیم نیازمندی چند

۵۴۳ در کدام بیت، هر سه آرایه «استعاره، تضاد و کنایه» وجود دارد؟ (فراه از کشش ۸۷)

کاو را خلیل نیست ز هر باد خزانی
وی در چمن حسن، قدت سرو روانی
در پای سهی سرو خرامانت زمانی
این نه حرفیست که بر وی فلم رد باشد

- (۱) گلزار رخت هست چنان تازه‌بهاری
(۲) ای زلف تو سر تا قدم آشوب جهانی
برخاسته‌ایم از سر جان تا بشنینیم
(۳) الف قد تو پیش همه مقبول افتاد

۵۴۴ در کدام بیت، همه آرایه‌های «مراتعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟ (فراه از کشش ۸۷)

کی به شمار آوزد حسرت بی شماره‌ام
کاش برای سوختن زنده کند دوباره‌ام
نرگس نیم‌مست او کشت به یک اشاره‌ام
جیب مهی گرفته‌ام، تا چه کند ستاره‌ام

- (۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشن
(۲) آن که به تبع امتحان ریخت به خاک خون من
(۳) غنچه نوشند او سوخت به یک تبسم
(۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان

در صورت سوال بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام بردۀ می‌شود و

ترتیب ایات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الگوی سوم

۵۴۵ آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ایات آمده است؟ (یافن ۹۹)

در خارزار از نظر پاک بیان خویش
بندیندش گر پر از شگر نباشد گو مباش
اگر می‌بود بر بالین من سیب زنخدانش
که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش

- الف) چون شینم است بستر و بالین من زگل
ب) ناله‌نی راست صد تنگ شکر در آستین
ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟
د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی

(۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، ب

- (۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف

هیچ آرایه‌ای در صورت سوال ذکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آرایه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.

الگوی چهارم

- ۶۲۸ آرایه‌های زیر ابیات در همه گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز:**
- (یافن) ناز چندانی که می‌ریزد ز سر تا پای تو
(حسن تعلیل، واج‌آرایی)
- کاب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
(ایهام، کنایه)
- دیده آهوز شرم نرگس شهلهای تو
(استعاره، تشبیه)
- هر که یک شب را به روز آورد در سوادی تو
(تلمیح، ایهام تناسب)
- ۶۲۹ آرایه‌های زیر کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟**
- خورشید مومیایی ماه شکسته است
(تشبیه، اسلوب معادله)
- سهیل سیب زنخدان شراب گلنگ است
(چناس، تشبیه)
- روح بیمار زلیخا همراه پیراهن است
(تلمیح، ایهام)
- روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تو است
(ایهام تناسب، حسن‌آمیزی)
- ۶۳۰ آرایه‌های زیر همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:**
- کجا مرجان به زور پنجه دریما را نگه دارد؟
(اسلوب معادله، ایهام)
- این است سوادی که به اصل است مطابق
(ایهام تناسب، کنایه)
- ندارد ور نه جنسی غیر یوسف کاروان ما
(ایهام، استعاره)
- زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدر
(مجاز، تشبیه)
- ۶۳۱ آرایه‌های زیر همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:**
- ور نه من آزادم از هر سرو بستانی که هست
(استعاره، ایهام)
- تو نیز به کشتنم میان دریستی
(مجاز، کنایه)
- همچو ماه چارده در کنج ویران تافتنه است
(تشبیه، ایهام)
- چین در خم ابروی تو ای ترک ختنا چیست?
(حسن تعلیل، چناس)
- ۶۳۲ الف، ب** **۶۳۳ الف، د**
- الف) جام شراب مرهم دلهای خسته است
ب) گرهگشای دل تنگ نغمه چنگ است
ج) ای صباح بی‌مروت برق تازی واگذار
د) پیش‌مادرشان از شکر شیرین تو است
- ۶۳۴ آرایه‌های زیر همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:**
- ۱) چه سان مزگان خونین گریه ما را نگه دارد
۲) پهلو به حیات ابدی می‌زند آن زلف
۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنگی
۴) اگر چه تخم طمع زرد رویی آرد، بار
- ۶۳۵ آرایه‌های زیر همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:**
- ۱) راستی را بندۀ شمشاد بالای توان
۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشند
۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده‌دل
۴) گر زان که نرنجی‌دهای از ما به خطایی



(فراجه از کشش) ۸۹

در کدام بیت، آرایه نسبت داده شده به آن نادرست است؟

- نوش‌دارو که پس از مرگ به سهراپ دهی
(تمیح)
- عرضه دارم اگرم رخصتِ اطناب دهی
(تضاد)
- دست آن هست که داد دل احباب دهی
(مجاز)
- چون به هیبت نگری لرزش سیماب (=جیوه) دهی
(حسن تعلیل)

(افتراضی انسان) ۸۷

آرایه مطرح شده در مقابل کدام بیت درست است؟

- در معرضی که تخت سلیمان رود به باد (حسن تعلیل)
- سخن بگفتی و قیمت برفت لؤلؤ را (استعاره)
- الله من داغنَه یاسمن (موازنَه)
- که من کیم ز سرکلک من چه کار آید (مراعات نظری)

۱) وقت هر کار نگه‌دار که نافع نبود

۲) حسبِ حالم سخنی بس خوش و موجز یاد است

۳) مده از دست کنون فرصت امکان چو تو را

۴) به دل دشمن اگر خود بُود از آهن و روی

۱) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ

۲) لب بدیدم و علم بیوفتاد از چشم

۳) نرگس من چشم و چراغ چمن

۴) مرا اگر تو ندانی عطاردم داند

یک آرایه در صورت سوال ذکر می‌شود.

الگوی پنجم

(یاضن) ۹۹

تعداد تشیبهات کدام بیت بیشتر است؟

- طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
و گزنه تشنه افزاس است آب شور تمنا
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را
که باشد عقد گوهر خوشها ای از خermen در بنا

(افتراضی انسانی) ۹۹

- تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

(بیان) ۹۹

- کیست که مرغ دلش از دام برآمد
بلبل باغ سخن منطق گویای من است
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

(هندز) ۹۹

- چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است
از غیرت صبا نفشن در دهان گرفت

۱) واله و شیداست دائم همچو بليل در فقس

۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت

۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست

۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن در بنا

۱) کدام بیت فاقد مجاز است؟

۱) گر بر سر خاک من بنخشینی و برخیزی

۲) به غمزه نرگس مستت بربیخت خون دلم

۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست

۴) سهل است به خون من اگر دست برآری

۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام

۲) گل بستان خرد لطف دلاری من است

۳) تیر بلالی او را جز دل هدف نشاید

۴) آن بناؤش دل افروز است یا مه یا چراغ

۱) بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت

۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است

۳) یک سر بی کبر در نمود زار خاک نیست

۴) می‌خواست گل که دم زنداز ننگ و بوی دوست



پاسخنامه تشریحی



- (۱) آینه در مصراع دوم به معنی لحظه) دو واژه یکسان با معنای متفاوت قافیه هستند نه ردیف.
 کجا ... گذر توانی کرد ← نمی توانی گذر کنی
- (۲) قافیه‌ها ← ایوان، دیوان / کرم، نعم
- (۳) قافیه دارد (شجاعت، حقیقت، صداقت)، فقط قافیه در شعر سپید، جای مشخصی ندارد.
- (۴) قالب شعر «الف» ← نو (نیمایی) / قالب شعر «ب» ← سپید (۲) شعر «الف» وزن دارد.
 در هر دو شعر قافیه وجود دارد.
- (۵) گزینه «۴» بیتی از یک غزل عارفانه است.
- (۶) شعر نو قافیه دارد (یی سود / مطروود) ولی قافیه جای مشخصی ندارد.
- (۷) چون اولین هجای آن «ن» صامت + مصوت کوتاه است.
 چون مصراع اول قافیه ندارد.
- (۸) دویتی پیوسته
- (۹) ترجیح بند
- (۱۰) مثنوی
- (۱۱) قافیه‌ها ← خندان، زندان، مستمندان (۳) حاجب، واجب، طالب (۴) برخاسته، آراسته، خواسته
 دو قافیه‌ای ← قافیه‌ها در مصراع اول ← گوهر / بار (باریدن) / قافیه‌ها در مصراع دوم ← زر / بار (بارکردن)
- (۱۲) (۱) دو واژه بار در مصراع اول و دوم چون تفاوت معنایی دارند، قافیه هستند نه ردیف.
 (۲) کمترین مقدار سخن منظوم، مصراع است. (۳) کمترین مقدار شعر، بیت است.
 فقط در بیت اول، هر دو مصراع قافیه دارند.
- (۱۳) نوع قافیه ← دو قافیه‌ای / قافیه‌ها ← ایوان، کرم / دیوان، نعم
- (۱۴) نوع قافیه ابیات دیگر ← میانی
- (۱۵) تشبيه ← مار سر زلف (اضافه تشبيه‌ی) ← ۱
- (۱۶) تشبيه ← بليل ... خاطر حافظ / گلbin وصل (دو اضافه تشبيه‌ی) ← ۲
- (۱۷) تشبيه ← عنبر زلف (اضافه تشبيه‌ی) / چون عود / آتش سودا (اضافه تشبيه‌ی) ← ۳
- (۱۸) تشبيه ← آتشم عشق (عشق، آتش است) / دلم عود / تنم مجرم (آتشدان) ← ۴